



## قدرت و بیش اطمینانی مدیران و گزارشگری متقلبانه

حامی فلاح حمیدی<sup>۱</sup>

خسرو فغانی ماکرانی<sup>۲</sup>

علی ذبیحی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۸

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی ارتباط بین قدرت و بیش اطمینانی مدیران و گزارشگری متقلبانه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و روش پژوهش، توصیفی - رگرسیونی حسابداری و مبتنی بر اطلاعات واقعی در صورت‌های مالی شرکت‌ها می‌باشد. در این پژوهش قدرت مدیر با استفاده از معیارهای استقلال هیئت مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل و دوره تصدی و بیش اطمینانی با استفاده از دو معیار مخارج سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری بیش از حد شناسایی شدند. برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون چند متغیره بهره گرفته شده است. نمونه مورد مطالعه ۱۲۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره‌های زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ می‌باشد که با استفاده از روش داده‌های تلفیقی مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن بود که بین قدرت مدیران و گزارشگری متقلبانه رابطه معناداری وجود ندارد. با این حال بین بیش اطمینانی مدیران و گزارشگری متقلبانه رابطه معناداری مشاهده شد.

**واژه‌های کلیدی:** گزارشگری متقلبانه، قدرت مدیران، بیش اطمینانی مدیران.

**طبقه بندی JEL:** M41, G11, G17

۱- گروه حسابداری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، مازندران، ایران. Fallah.hami@yahoo.com  
۲- گروه حسابداری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. (نویسنده مسئول) kh.makarani@chmail.ir  
۳- گروه حسابداری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، مازندران، ایران. azabih95@yahoo.com

## ۱- مقدمه

رشد و دگرگونی سریع روابط اقتصادی، منجر به رقابت شدیدی در عرصه تجارت، صنعت و سرمایه‌گذاری شده است. لذا شرکت‌ها برای بقا و گسترش فعالیت‌های خود، نیاز به انجام سرمایه‌گذاری‌های مناسب و به موقع دارند. گزارش‌های مالی شرکت‌ها باید اطلاعاتی فراهم نماید که برای سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل، بستانکاران و سایر استفاده‌کنندگان در سرمایه‌گذاری‌های منطقی، اعطای اعتبار و تصمیمات مشابه سودمند باشد و این اطلاعات عاری از تحریف‌های با اهمیت و تقلب‌های احتمالی باشد تا سرمایه‌گذاران بتوانند نسبت به تأیید عملکرد و پیش‌بینی آینده اقدام نمایند و در نهایت با توجه به انتظارات خود بتواند بازدهی و ریسک متناسب با آن را ارزیابی نمایند. بر همین اساس ارزیابی گزارشگری مالی متقالبانه بوسیله استفاده‌کنندگان از اطلاعات یکی از فاکتورهای مهم در تخمین آینده بنگاه‌ها می‌باشد تا به وسیله آن قدرت تأییدکنندگی و پیش‌بینی‌کنندگی اطلاعات ارزیابی گردد (لامبرت<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۰: ۲۸۶).

تقلب‌های صورت‌های مالی به شکل چشم‌گیری توجه عموم جامعه، رسانه‌ها، سرمایه‌گذاران، جامعه مالی و قانون‌گذاران را به خود جلب کرده و این به خاطر چندین تقلب مشهوری است که در شرکت‌های بزرگی از قبیل لوسنت<sup>۲</sup> در طول سالیان گذشته روی داده است. گزارشگری متقالبانه در صورت‌های مالی بیشتر از طریق بیش اظهاری دارایی‌ها، فروش‌ها و سود و کم اظهاری بدهی‌ها، هزینه‌ها و زیان‌ها، انجام می‌شود (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۰).

اطلاعاتی که باید به مردم ارائه شود، بسیار متنوع است. لیکن بخش مهمی از آن را اطلاعات مالی تشکیل می‌دهد. اهمیت اطلاعات مالی ایجاب می‌کند که این اطلاعات بر پایه ضوابط و استانداردها در بخش عمومی همانند بخش خصوصی تهیه گردد و در این راستا حرکت‌های مهمی در سطح جهان آغاز شده است؛ به گونه‌ای که حسابداری و گزارشگری مالی در بخش دولتی و عمومی، کانون اصلی پژوهش‌های متعددی در دهه اخیر بوده است. گرایش به گزارشگری مالی در بخش عمومی، با جهانی شدن موضوع بهسازی مدیریت منابع مالی و پاسخگویی در بخش عمومی در معرض دگرگونی بوده است (لعل خضری و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۰). کیفیت گزارشگری مالی، میزان صداقت مدیران در ارائه اطلاعات منصفانه و حقیقی برای تصمیم‌گیرندگان تعریف شده است. هرگاه مدیران در ارائه اقلام مندرج در صورت‌های مالی دو واژه بی‌طرفی و عینیت را رعایت کرده باشند، کیفیت گزارشگری مالی وجود دارد (برندت<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۰: ۸۷۵).

انتشار اطلاعاتی که صحت ندارد و واقعیات مالی و عملکردی بنگاه را بصورت خلاف واقع نمایان می‌نماید، ناشی از تمایل مدیریت به پنهان‌کاری و کتمان واقعیت بوده که هم می‌تواند در راستای انحراف تصمیمات استفاده‌کنندگان باشد و هم جهت دستیابی به مقاصدی که به نفع تمامی

ذینفعان نیست. لذا استفاده کنندگان از گزارش‌های مالی همواره بایستی احتمال وقوع گزارشگری متقلبانه در صورت‌های مالی و گزارش‌ها منتشر شده شرکت را از طریق ارزیابی صورت‌های مالی، پیگیری اخبار و رویدادهای مرتبط با بنگاه و غیره مورد تحلیل قرار دهند تا بتواند کیفیت اطلاعات مندرج در گزارش‌ها مالی را تبیین نمایند (کیامهر و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۰۰).

گزارشگری مالی نقش عمده‌ای در ادای وظیفه پاسخگویی در یک جامعه دموکراتیک ایفا می‌کند. گزارشگری مالی باید از یک سو به مدیران کمک کند تا وظیفه مسئولیت پاسخگویی عمومی خود را به جا آورد و از سوی دیگر استفاده کنندگان را قادر سازد که مسئولیت مذکور را ارزیابی کنند. گزارشگری مالی باید اطلاعاتی فراهم آورد که استفاده کنندگان را در ارزیابی قدرت تدارک کالا و خدمات و هزینه‌ها و وظایف اجرایی واحد، یاری کند. می‌توان گفت که مسئولیت پاسخگویی و نتیجه طبیعی آن سودمندی در تصمیم، دو ارزش اساسی در حسابداری و گزارشگری مالی است. این دو ارزش اساسی، پایه هدف‌های گزارشگری مالی را فراهم می‌سازد. به دلیل آن که مدیران، در مورد التزام به بودجه مصوب، اجرای عملیات و مباشرت باید پاسخگو باشد، در نتیجه ناگزیر است اطلاعاتی فراهم کند که برای ارزیابی مسئولیت پاسخگویی سودمند باشد. می‌توان نتیجه گرفت که اهمیت و جایگاه ویژه‌ای که در چارچوب‌های حسابداری و گزارشگری مالی به مسئولیت پاسخگویی اختصاص یافته، این مفهوم را به اصلی‌ترین عامل ارزیابی نظام‌های حسابداری و گزارشگری مالی تبدیل کرده است (باباجانی، ۱۳۸۹: ۶۸).

از طرفی آثار زیانباری که رسوایی‌های مالی در سال‌های اخیر به وجود آورده است، توجه به بحث تقلب و به ویژه تقلب در گزارشگری مالی را اجتناب ناپذیر کرده است. رسوایی‌های مالی نه تنها هزینه‌ها و زیان‌های اقتصادی مانند متضرر کردن اعتباردهندگان، سرمایه‌گذاران و سهامداران داشته، بلکه هزینه‌های سیاسی و قضایی و غیره را نیز به بار آورده است (صدیقی کمال، ۱۳۹۲: ۱۱۷).

طبق بخش ۲۴۰ استانداردهای حسابرسی ایران، تقلب عبارت است از هر گونه اقدام عمدی یا فریبکارانه یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص ثالث، برای برخورداری از مزیت ناروا یا غیرقانونی. تقلب شامل وجود انگیزه برای ارتکاب تقلب و استفاده از فرصت جهت ارتکاب آن است (کمیته تدوین استاندارد حسابرسی، ۱۳۹۳: ۶۵).

طبق استاندارد حسابرسی، گزارشگری مالی متقلبانه مستلزم تحریف‌های عمدی، از جمله حذف مبالغ یا موارد انشا در صورت‌های مالی، به منظور فریب دادن استفاده کنندگان صورت‌های مالی است. گزارشگری مالی متقلبانه ممکن است به روش‌های دستکاری، سند سازی (از جمله جعل) با تغییر سوابق حسابداری با مستندات پشتوانه تهیه صورت‌های مالی ارائه نادرست یا حذف عمدی

معاملات، سایر رویدادها یا سایر اطلاعات عمده در صورت‌های مالی؛ بکارگیری نادرست استانداردهای حسابداری در رابطه با مبالغ، طبقه‌بندی، نحوه ارائه، یا موارد افشا به صورت عمدی انجام شود (استاندارد حسابرسی ۲۴۰، بندهای ۲ و ۳ توضیحات کاربردی). گزارشگری مالی متقالبانه منجر به ارائه اطلاعات ناصحیح به بازار می‌شود و بر کارایی بازار در تخصیص منابع اثر می‌گذارد که پیامد آن سلب اعتماد سرمایه‌گذاران از بازار خواهد بود (مرادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۶). در گزارشگری مالی متقالبانه، مدیران اجرایی اغلب کنترل‌هایی را زیر پا می‌گذارند که در شرایط معمول، دارای اثربخشی کار کرد هستند (استاندارد حسابرسی ۲۴۰، توضیحات کاربردی بند ۴). جلوگیری از بروز چنین شرایطی مستلزم اعمال حاکمیت صحیح سهام داران از طریق نظارت دقیق بر مدیریت اجرایی و حسابرسی منظم شرکت‌ها است که در مجموع تحت عنوان فرآیند حاکمیت شرکتی شناخته می‌شود (باباجانی و عبدی، ۱۳۸۹: ۷۰)، سوالی که پیش می‌آید این است که در ساختار حاکمیت شرکتی چه افرادی ممکن است مرتکب تقلب در گزارشگری مالی شوند؟ طبق استانداردهای حسابداری، مسئولیت تهیه و ارائه صورت‌های مالی با هیات مدیره یا سایر ارکان راهبری واحد تجاری است. با افزایش این اختیارات در ساختار راهبری شرکت ممکن است مدیران دست به رفتارهای فرصت طلبانه زده و تصمیماتی را اتخاذ نمایند که در جهت منافع شخصی خود و عکس منافع سهام‌داران باشد (حجازی و مختاری‌نژاد، ۱۳۹۶: ۴۵).

تقلب در صورت‌های مالی زمانی رخ می‌دهد که مدیران با هدف گمراه کردن گروهی از سهام‌داران در مورد عملیات اصلی شرکت و همچنین به منظور تأثیر بر نتایج فعالیت‌های شرکت با استفاده از روش‌هایی غیر از اصول پذیرفته شده، سعی در دستکاری صورت‌های مالی دارند. بارگر<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۳) دریافته‌اند که بیش از نصف افرادی که مرتکب تقلب در گزارشگری مالی می‌شوند از گروه مدیریت شرکت هستند. کمیته سازمان‌های حامی کمیسیون تردوی در گزارشی تحت عنوان تقلب در گزارشگری مالی که در سال ۱۹۹۹ منتشر شد، عنوان کرد که ۷۲ درصد از موارد تقلب، مورد بررسی توسط مدیر عامل و ۴۲ درصد توسط مدیر مالی صورت گرفته است (صفرزاده، ۱۳۸۹: ۱۴۵). برای مثال در انرون در بیشتر مواقع رئیس هیأت مدیره، سمت مدیرعامل را نیز بر عهده داشت. در پال مارت نیز مدیر مالی به طور همزمان عضو کمیته حسابرسی داخلی بود و از ۱۳ نفر عضو هیات مدیره این شرکت تنها ۳ نفر آن‌ها عضو غیرموظف بودند (خلیفه سلطانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰). همچنین در پارمالات علاوه بر ارقام ترازنامه ساختگی، هیات مدیره ضعیف و وابسته خانوادگی، رییس هیات مدیره همزمان مدیر عامل، عدم استقلال کافی حسابرسان نسبت به سهام‌داران عمده، ضعف اصول حاکمیت شرکتی کشور ایتالیا در مورد اشخاص وابسته و تغییر پی در پی مدیران ارشد مالی وجود داشته است. در عصر حاضر مدیران، عامل کلیدی در جهت ارتقای

عملکرد هر سازمان به شمار می‌آیند و تصمیماتی که آنان اتخاذ می‌نمایند، در شکست با موفقیت سازمان تأثیرگذار است. تصمیمات مدیران سازمان و تفکرات آنها نقشی سرنوشت‌ساز در پیشبرد اهداف سازمانی دارد؛ اما گاهی اوقات مدیران در وضعیت‌هایی قرار می‌گیرند که تصمیم‌هایشان به نفع سهام‌داران شرکت نبوده و باعث مخدوش شدن گزارش‌های مالی می‌شوند. در واقع مدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که مدیران قضاوت خویش را در گزارشگری مالی و در نحوه ثبت و گزارش‌های مالی به صورتی وارد نمایند که تغییر در محتوای گزارش‌های مالی، برخی از سهام‌داران را نسبت به عملکرد اقتصادی شرکت گمراه نماید. از سوی دیگر با توجه به تئوری نمایندگی، مدیران می‌توانند از انگیزه لازم برای دستکاری سود به منظور حداکثر کردن منافع خود برخوردار باشند (آزاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۵).

یکی از موارد تأثیرگذار بر شفافیت گزارشگری مالی در شرکت‌ها، ویژگی‌های فردی مدیران می‌باشد. امروزه مدیریت واحدهای تجاری نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش بهره‌وری و بازدهی آنها دارد (لاری دشت بیاض و اورادی، ۱۳۹۶: ۹۵). پیچیدگی فزاینده جوامع، پیشرفت علم و تکنولوژی و به تبع آن‌ها، افزایش نیازها و گسترش سازمان‌ها و شرکت‌ها، ایجاب می‌کند که از مدیران کارآمد در اداره امور سازمان‌ها استفاده شود. بسیاری از صاحب‌نظران تصمیم‌گیری را جوهره مدیریت دانسته‌اند و موفقیت و شکست سازمان‌ها را در گرو تصمیمات مدیران آنها قلمداد کرده‌اند. پرواضح است که اخذ تصمیمات مناسب از سوی مدیران، تابعی از عوامل رفتاری و شخصیتی آنها است. مدیران به واسطه کنترلی که بر منابع شرکت دارند، می‌توانند آنها را به فعالیت‌هایی اختصاص دهند که تنها در جهت منافع شخصی خودشان بوده و لزوماً حداکثر منافع مالکان را به همراه نداشته باشد. مدیران، یا در حال نزدیک شدن به سن بازنشستگی هستند، یا تعویض آنها محتمل است، بر این اساس تمایل زیادی برای توجه به جریان نقدی که بعد از دوره تصدیشان اتفاق می‌افتد از خود نشان نمی‌دهند، این دیدگاه باعث از بین رفتن برخی از فرصت‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری می‌گردد. شرایط ذکر شده در بالا برای مدیران انگیزه انجام تخلف‌های مالی را ایجاد کرده، در نتیجه احتمال وقوع تقلب در چنین حالتی افزایش می‌یابد (مرادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۴).

به رغم تحقیقات متعدد خارجی در خصوص کشف تقلب در گزارش‌های مالی، در داخل کشور به این موضوع توجه زیادی نشده است. مسئله گزارشگری مالی متقلبانانه در ایران از اهمیتی ویژه برخوردار است. افزایش تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس که به منظور جذب منابع مالی به انتشار اوراق بهادار اقدام می‌کنند، تلاش به منظور کاهش مالیات بر سود و غیره از جمله دلایل اهمیت موضوع است؛ لذا با توجه به اهمیت کشف تقلب در گزارشگری مالی در جهت حمایت از

منافع سرمایه گذاران همچنين، پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این پرسش است که آیا بین قدرت و بیش اطمینانی مدیران با گزارشگری مالی متقلبانه رابطه وجود دارد یا خیر؟

## ۲- مبانی نظری

### ۲-۱- بیش اطمینانی مدیران

علت وجودی بیش اطمینانی مدیران از عملکرد خود، آرامشی است که افراد از آن به دست می‌آورند. بیش اطمینانی با نسبت دادن موفقیت‌ها به خود، به مرور زمان افزایش می‌یابد (مشایخ و بهزادپور، ۱۳۹۳: ۴۹۰). در واقع بیش اطمینانی مدیران، اعتقادی بی‌اساس درباره توانایی‌های شناختی، قضاوت‌ها و استدلال شهودی وی است (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۹۰). دو عامل رفتاری مرتبط با بیش اطمینانی مدیران به افزایش انتظارات تقاضای آتی منجر می‌شود:

۱) درجه بندی اشتباه یا غلط (اثر پایینتر از واریانس): بر اعتماد بسیار پایین نسبت به نتایج مورد انتظار دلالت دارد. رایج‌ترین نوع بیش اطمینانی در ادبیات مالی است که گاهی آن را بیش اطمینانی در پیش‌بینی می‌گویند. در این نوع بیش اطمینانی معمولاً افراد دقت دانش خود را بیشتر و ریسک و واریانس متغیرهای تصادفی را کمتر از آنچه هست تخمین می‌زنند و فاصله اطمینان‌های بسیار باریکی در پیش‌بینی‌های خود دارند (لاری دشت بیاض و اورادی، ۱۳۹۶: ۹۶). برای مثال هنگام برآورد ارزش یک سهم، انحراف بسیار پایینی را برای مجموعه بازده‌های مورد انتظار در نظر می‌گیرند.

۲) خوش‌بینی مفرط یا غیرواقع بینانه (اثر بالاتر از میانگین): این مفهوم از ادبیات مالی برگرفته شده از مفاهیم روانشناسی و خوش‌بینی واهی است. در این نوع از بیش اطمینانی، افراد مهارت‌های خود را بیش از آنچه هست تخمین می‌زنند (کوهن<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۰: ۲۸۵). تحقیقات روانشناسی صورت گرفته نشان می‌دهد عموماً افراد تمایل دارند که دید مثبت غیرواقع بینانه‌ای از خود و مهارت‌هایشان داشته باشند. بسیاری از انسان‌ها هنگامی که خود را با گروهی مقایسه می‌کنند، سطح توانایی‌ها و مهارت‌هایشان را بالاتر از میانگین سطح توانایی‌ها و مهارت‌های سایر اعضای گروه می‌دانند (آزاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۵).

از دیدگاه اقتصادی انتظار مدیران به نسبت آتی جانبدارانه فرض نمی‌شود؛ در حالی که از دیدگاه رفتاری بیش اطمینانی مدیریت یکی از ویژگی‌های پایدار مدیریتی است که بر سوگیری مثبت در انتظارات آتی مدیریت تکیه دارد (رضائی پسته نوئی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۷).

بیش اطمینانی پدیده‌ای شناخته شده در روانشناسی است. افراد درباره توانایی‌هایی خود، از جمله قدرت پیش‌بینی، ادراک اطلاعاتی و دانش خود، اغراق می‌کنند. به بیان دیگر به توانایی‌ها و دانش خود اعتماد بیش از حد دارند، البته ممکن است این احساس درونی را اظهار نکنند یا حتی خود نیز از آن غافل باشند. یکی از ریشه‌های وقوع بیش اطمینانی و اصلاح نشدن آن در نتیجه یادگیری این است که افراد مسئولیت موفقیت‌های خود را به عهده می‌گیرند و مسئولیت شکست را به دیگران نسبت می‌دهند. به بیان دیگر، افراد تمایل دارند موفقیت‌هایشان را به عوامل درونی، از جمله استعداد و بصیرتشان نسبت دهند و شکست‌هایشان را در عوامل بیرونی از جمله بدشانسی و اوضاع بد اقتصادی جست‌وجو کنند. از سوی دیگر، افراد به موفقیت‌های خود اعتبار بیشتری می‌دهند تا به شکست‌هایشان. علت وجودی بیش اطمینانی آرامشی است که افراد از آن به دست می‌آورند. بیش اطمینانی با نسبت دادن موفقیت‌ها به خود، به مرور زمان افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، افراد به دنبال اثبات خود به دیگران نیز هستند تا تحسین آن‌ها را برانگیزند؛ بنابراین گاهی درباره موفقیت‌های قبلی خود برای دیگران اغراق می‌کنند که از نظر درونی بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد و موجب تشدید پدیده بیش اطمینانی می‌شود. به گفته دیگر، در بیان اغراق آمیز موفقیت‌ها، خود فرد بیش از دیگران تحت تأثیر سخنان قرار می‌گیرد. مطالعات در این زمینه نشان داده است مشاغلی که به قضاوت نیاز دارند، بیش از مشاغل دیگر دچار بیش اطمینانی می‌شوند؛ ضمن آنکه هر چه تخصص افراد بیشتر باشد، در معرض بیش اطمینانی بیشتری قرار می‌گیرند (مرادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۵). مدیران بیش اطمینان بازده‌های آتی پروژه‌های واحد تجاری را بیشتر برآورد می‌کنند. از این رو ممکن است احتمال و بزرگی شوک‌های مثبت جریان‌های نقدی آتی حاصل از این پروژه‌ها را بیشتر برآورد کنند و در مقابل برآورد کمتری از شوک‌های منفی داشته باشند. آن‌ها بر این باورند واحد تجاری تحت مدیریتشان در بازار سرمایه کمتر از واقع ارزش‌گذاری شده است و ترجیح می‌دهند از منابع تأمین مالی خارج از سازمان کمتر استفاده کنند. به بیانی، انتظار می‌رود سود نقدی کمتری تقسیم کنند (رضائی پسته نوئی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۸).

## ۲-۲- ارتباط بین بیش اطمینانی و تقلب در گزارشگری مالی

تحقیقات پیشین نشان می‌دهد ویژگی‌های شخصیتی افراد در احتمال ارتکاب به تقلب در گزارشگری مالی، نقش کلیدی دارد (کوهن و همکاران، ۲۰۱۰: ۳۴۰؛ باسلی<sup>۶</sup> و همکاران، ۱۹۹۹: ۱۲). بیش اطمینانی مدیران از عملکرد خود، در برآورد حسابرسان از خطر تحریف گزارش‌های مالی ناشی از تقلب صاحبکار تأثیر می‌پذیرد (جانسون<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۱۳: ۲۱۴). بیش اطمینانی مدیران می‌تواند بر ارزیابی ریسک گزارشگری مالی توسط حسابرسان اثرگذار باشد، چرا که مدیران دارای

بیش اطمینانی، احتمال رویدادهای مساعد را بر جریان‌های نقدی شرکت بیشتر از واقعیت برآورد کرده و احتمال رویدادهای نامساعد را کمتر از واقعیت ارزیابی می‌کنند. در این صورت می‌توان گفت که احتمال وقوع اشتباه در گزارش سود به دلیل نگرش‌های خوش‌بینانه مدیریت افزایش می‌یابد (شراند و زچمن<sup>۸</sup>، ۲۰۱۱)، در نتیجه احتمال ارائه مجدد گزارش‌های مالی و مدیریت سود واقعی افزایش می‌یابد (هسیه<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۲۴۵). دوئلمن، هارویترز و سان<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۵) ارتباط مستقیم بین افزایش خطر تحریف صورت‌های مالی و بیش اطمینانی مدیران را تأیید کردند. شراند و زچمن (۲۰۱۱) معتقدند که اعتماد به نفس زیاد، گرایش به تقلب را افزایش می‌دهد؛ چرا که اگر در زمان  $t$ ، مدیر در مورد درآمدهای دوره آتی انتظارات غیرواقعی داشته باشد، احتمال تحقق سودهای سال  $t+1$  را کمتر از معیار مد نظر پیش بینی می‌کند، در نتیجه بیشتر مایل به مدیریت درآمدها در دوره  $t$  خواهد بود. آن‌ها عنوان کردند که اگر سودهای زمان  $t+1$  از مقدار پیش بینی شده کمتر باشد، استفاده از معیار اندازه‌گیری درآمد مورد استفاده در سال  $t$  به صرفه نیست و مدیر ممکن است سودها را دوباره در دوره  $t+1$  محاسبه کند. به همین ترتیب، مدیری که در زمان  $t$  در مورد سودهای دوره  $t+1$  انتظارات غیر واقعی دارد، احتمال نیاز به مدیریت سودهای سال  $t$  را کمتر در نظر می‌گیرد، تا امکان مدیریت سودهای کلان در سال بعد به عنوان یک انتخاب بهینه وجود داشته باشد.

### ۳-۲- قدرت (نفوذ) مدیرعامل و گزارشگری مالی متقلبانه

قدرت مدیرعامل توجه بسیاری از محققان حوزه‌های اقتصادی، مالی، مدیریت و روانشناسی را به خود جلب کرده است. موقعیت مدیرعامل به عنوان یک منبع قدرت در نظر گرفته می‌شود و عموماً به عنوان معمار اصلی سازوکارهای نوآوری شرکت (برگر و همکاران، ۲۰۱۶) و عامل اصلی ایجاد ارزش برای سهامداران تلقی می‌شود، در حالی که اگر منافع مدیرعامل با منافع سهامداران همسو نباشد، در این صورت نفوذ و قدرت مدیرعامل مشکل ساز می‌گردد (جنسن<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۳: ۳۲۰). طبق دستورالعمل‌های راهبری شرکتی، مدیرعامل به عنوان منبعی از قدرت اجرایی بر هیأت مدیره نفوذ دارد. یرماک<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۶) نشان داد شرکت‌هایی که رئیس هیأت مدیره مستقل و غیر موظف باشد عملکرد بهتری نسبت به شرکت‌های تحت نفوذ مدیرعامل دارند. رازالی<sup>۱۳</sup> و همکاران (۲۰۱۴) بیان می‌کنند در شرکت‌هایی که مدیریت رئیس هیأت مدیره است کیفیت افشای اطلاعات حسابداری کاهش می‌یابد. کیفیت اطلاعات حسابداری بر کارایی و اثر بخشی تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاران تأثیر می‌گذارد. از این رو کیفیت اطلاعات حسابداری، به موقع بودن اطلاعات و



قابلیت اتکا اطلاعات از عوامل مؤثر بر تصمیمات سرمایه‌گذاران می‌باشد که احتمال تأثیرپذیری آن‌ها از قدرت مدیرعامل وجود دارد.

### ۳- پیشینه تجربی

رضازاده و محمدی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان توانایی مدیریتی، ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقلبان، به این نتیجه رسیدند که بین توانایی مدیریتی و گزارشگری مالی متقلبان رابطه منفی و معناداری وجود دارد. هم‌چنین نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که مدیران توانمند قادرند قضاوت‌ها و برآوردهای دقیق و اثربخشتی را انجام دهند و با استفاده کارا تر از منابع شرکت، عملکرد بهتری را به ارمغان بیاورند و از این طریق تقلب در گزارشگری مالی را کاهش دهند. رضائی پسته نوئی و صفری گرایلی (۱۳۹۷) به بررسی ارتباط بین خوانایی گزارشگری مالی و احتمال گزارشگری متقلبان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که خوانایی گزارشگری مالی احتمال وقوع تقلب حسابداری شرکت را کاهش می‌دهد. رهروی دستجردی و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی به ارزیابی خطر تقلب مدیران با استفاده از روش داده کاوی پرداختند. در این تحقیق برای ارزیابی و تشخیص خطر تقلب مدیران، از یک روش غیرمالی استفاده شده است که مشخصاً مبتنی بر تجزیه و تحلیل متن گزارش هیئت مدیره به مجمع عمومی صاحبان سهام است. در این روش، واژه‌های گزارش هیئت مدیره به مجمع بررسی شده، پس از پالایش شدن، با استفاده از نوع خاصی از رگرسیون، الگویی برای ارزیابی و تشخیص شاخص خطر تقلب در شرکت‌ها ارائه شده است. جامعی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی رابطه عدم صداقت مدیران موظف و بروز تقلب در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داد در صورتی که اختلاف مالیاتی منجر به بروز تقلب در سازمان باشد بین عدم صداقت مدیران موظف و بروز تقلب رابطه معناداری وجود دارد. هم‌چنین تعدیل سنواتی به عنوان شاخص شناسایی تقلب به رابطه عدم صداقت مدیران و بروز تقلب در شرکت‌های مورد مطالعه تأثیرگذار نیست. نتایج نشان داد بین ارائه اظهارنظر حسابرسی تعدیل شده و بروز تقلب رابطه معناداری وجود دارد و اظهارنظر تعدیل شده حسابرس بر رابطه بین عدم صداقت مدیران موظف و بروز تقلب تأثیری ندارد. نمازی و ابراهیمی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان مدل بندی و تعیین اولویت عوامل مؤثر بر قصد گزارش تقلب‌های مالی توسط حسابداران، به این نتیجه رسیدند که متغیرهای عدالت سازمانی، نگرش در مورد گزارشگری، ویژگی‌های شخصیتی فعال، دین داری و شدت اخلاقی دارای تأثیر مثبت و معناداری بر قصد گزارش داخلی موارد تقلب هستند، در حالی که تأثیر متغیر هزینه شخصی گزارشگر معنادار نیست. مشایخ و بهزادپور (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان تأثیر بیش اطمینانی مدیران بر سیاست تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده

در بورس اوراق بهادار تهران، نشان دادند که بین بیش اطمینانی مدیران و تقسیم سود شرکت ارتباط منفی و معناداری وجود دارد، به گونه‌ای که مدیران بیش اطمینان تقسیم سود کمتری دارند.

سابمیت<sup>۱۴</sup> و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه بین عمر هیات مدیره و احتمال وقوع تقلب مالی در شرکت‌ها، دریافتند که هیات مدیره با دوره تصدی بالاتر، انگیزه و توانایی بیشتری برای جلوگیری و کاهش تخلفات مالی در شرکت‌ها دارند. سیجابات<sup>۱۵</sup> و همکاران (۲۰۲۱) بخش تجزیه و تحلیل‌های مدیریت گزارش‌های شرکت‌ها را تجزیه و تحلیل کرده و دریافتند که لحن گزارش‌های مشکوک به تقلب، به طور با اهمیتی از حالت استاندارد فاصله داشته و به حالت متقلبانه نزدیک است. به عنوان مثال، مدیران در گزارش‌هایی که مشکوک به تقلب بودند کمتر راجع به جزئیات عملکرد شرکت سخن گفته و سعی می‌کنند بیشتر راجع به نکات مثبت عملکرد خود توضیح دهند و راجع به تیم مدیریتی شرکت نیز جزئیات چندانی افشا نمی‌کنند. اسوآوا<sup>۱۶</sup> و همکاران (۲۰۱۸) پژوهشی تحت عنوان ویژگی‌های مدیران ارشد و گزارشگری مالی متقلبانه انجام داده‌اند. ویژگی‌های مدیران شامل سن، جنسیت و تحصیلات بوده است. نتایج تحقیق نشان داد سطح گزارشگری مالی متقلبانه بالاتر است وقتی که مدیران جوانتر و مرد باشند و همچنین سطح تحصیلات پایین‌تر باشد. شراند و زچمن (۲۰۱۱) دریافتند که بین بیش اطمینانی مدیریت با احتمال تقلب صورت‌های مالی، ارتباط مثبتی وجود دارد و نظارت بهتر داخلی و خارجی از طریق سازوکارهای حاکمیتی این اثر را کاهش نمی‌دهد. آن‌ها معتقدند که بیش اطمینانی مدیران از عملکرد خود همراه با خوش‌بینی هدف‌دار است. این خوش‌بینی مدیران به تحریف عامدانه منجر خواهد شد و در نتیجه، موجب می‌شود، شرکت در سراسیابی مسیر تحریف‌های عمده گام بردارد.

#### ۴- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع نیمه تجربی در حوزه تحقیقات توصیفی- رگرسیونی حسابداری و مبتنی بر اطلاعات واقعی در صورت‌های مالی شرکت‌ها است. از سویی دیگر این تحقیق از نوع همبستگی می‌باشد و چون می‌تواند در فرآیند استفاده از اطلاعات کاربرد داشته باشد، لذا از نوع تحقیق کاربردی است. جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ می‌باشد. برای تعیین نمونه آماری، از روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک استفاده شد؛ بدین صورت که در هر مرحله از میان تمام شرکت‌های جامعه آماری،

شرکت‌هایی که شرایط زیر را نداشتند، کنار گذاشته شدند و شرکت‌های باقی مانده برای اجرای آزمون انتخاب شدند:

- ۱) شرکت‌هایی که سال مالی آن‌ها به انتهای اسفند ماه ختم می‌شود؛
- ۲) شرکت‌ها جزء بانک‌ها، بیمه‌ها، شرکت‌های مالی و سرمایه‌گذاری نباشند؛
- ۳) شرکت‌هایی که قبل سال ۹۱ وارد بورس شده باشند؛
- ۴) شرکت‌ها باید در طول دوره بررسی تداوم فعالیت داشته باشند؛
- ۵) شرکت‌هایی که نماد آن‌ها بیش از سه ماه توقف نداشته باشند؛
- ۶) اطلاعات مورد نیاز در دسترس باشد.
- ۷) شرکت‌ها ورشکسته نباشند.

با توجه به محدودیت‌های بیان شده، ۱۲۲ شرکت برای نمونه انتخاب شد. با در نظر گرفتن دوره زمانی پژوهش، در مجموع ۶۱۱ مشاهده (سال- شرکت) برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت.

آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از مدل زیر تخمین زده شده است:

$$\text{Fraud} = \beta_0 + \beta_1 \text{INFL} + \beta_2 \text{M\_CONF} + \beta_3 \text{SIZE} + \beta_4 \text{LEV} + \beta_5 \text{BM} + \beta_6 \text{S\_GROW} + \beta_7 \text{LOSS} + \beta_8 \text{ROA} + e;$$

که در آن:

Fraud نشان‌دهنده گزارشگری مالی متقلبان، INFL قدرت مدیرعامل، M\_CONF بیش اطمینانی مدیرعامل، SIZE اندازه شرکت، LEV اهرم مالی، BM: ارزش دفتری سهام شرکت، S\_GROW: نرخ رشد، LOSS: زیان شرکت و ROA: بازده دارایی‌ها می‌باشند.

#### ۴-۱- متغیرهای پژوهش

##### ۴-۱-۱- متغیر وابسته

تقلب: متغیر وابسته پژوهش، گزارشگری مالی متقلبان است. بیشتر پژوهش‌های انجام شده در زمینه کشف تقلب در گزارشگری مالی نشان داده‌اند که نسبت‌های مالی سودمندترین و ساده‌ترین ابزار برای پیش‌بینی تقلب در گزارشگری مالی هستند. ضرایب این مدل در محیط اقتصادی آمریکا طراحی شده است و به کارگیری همان مدل در محیط ایران، به علت متفاوت بودن معیار انتخاب شرکت‌های نمونه و قوانین و مقررات با آمریکا، می‌تواند به پیش‌بینی‌های دقیقی منجر نشود

(کردستانی و تاتلی، ۱۳۹۵: ۸۰). از این رو، در پژوهش حاضر از مدل تعدیل شده بنییش استفاده شده که مناسب محیط ایران است. گزارشگری مالی متقلبانه به پیروی از رزالی و همکاران (۲۰۱۴) و با استفاده از مدل تعدیل شده بنییش که توسط کردستانی و تاتی (۱۳۹۵) بومی سازی شده است، مطابق رابطه ۱ اندازه گیری و محاسبه شده است:

رابطه ۱)

$$\text{Adj-Mscore} = 0.002 + 0.665(\text{TATA}) + 0.257(\text{LVGI}) + 0.024(\text{SGAI}) + 0.641(\text{DEPI}) + 0.19(\text{SGI}) + 0.004(\text{AQI}) + 0.032(\text{GMI}) + 0.061(\text{DSRI})$$

DSRI: شاخص فروشهایی که در حسابهای دریافتنی هستند که به کمک رابطه ۲ اندازه گیری می شود. در این رابطه REC حسابهای دریافتنی و SALES فروش است.

$$\frac{\text{REC}_t}{\text{SALES}_t}$$

$$\frac{\text{REC}_{t-1}}{\text{SALES}_{t-1}}$$

رابطه ۲

GMI: شاخص حاشیه سود ناخالص که از طریق رابطه ۳ اندازه گیری می شود. در این رابطه SALES فروش سالانه و COG بهای تمام شده کالای فروش رفته است.

رابطه ۳

$$\frac{(\text{SALES}_{t-1} - \text{cog}_{t-1}) / \text{SALES}_{t-1}}{(\text{SALES}_{t-1} - \text{cog}_t) / \text{SALES}_t}$$

AQI: شاخص کیفیت دارایی که از طریق رابطه ۴ اندازه گیری می شود. در این رابطه CA جمع داراییهای جاری، PPE اموال ماشین الات و تجهیزات و ASSETS جمع داراییها است.

رابطه ۴

$$\frac{1 - [(CA_t + PPE_t) / ASSETS_t]}{1 - [(CA_{t-1} + PPE_{t-1}) / ASSETS_{t-1}]}$$

SGI: شاخص رشد فروش که از طریق رابطه ۵ اندازه گیری می شود.

رابطه ۵

$$\frac{\text{SALES}_t}{\text{SALES}_{t-1}}$$

DEPI: شاخص هزینه استهلاک که به کمک رابطه ۶ اندازه گیری می شود. در این رابطه DEP، هزینه استهلاک داراییهای ثابت مشهود و PPE ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات است.

رابطه ۶

$$\frac{DEP_{t-1} / PPE_{t-1}}{DEP_t / PPE_t}$$

**SGAI**: شاخص هزینه‌های عمومی، اداری و فروش که از طریق رابطه ۷ اندازه‌گیری می‌شود. در این رابطه، **SGA** و **EXP** هزینه‌های عمومی، اداری و فروش و **SALES** فروش سالانه است.

رابطه ۷

$$\frac{SGA_t \cdot EXP_t / SALES_t}{SGA_{t-1} \cdot EXP_{t-1} / SALES_{t-1}}$$

**TATA**: شاخص مجموع ارقام تعهدی به مجموع دارایی‌ها که با استفاده از رابطه ۸ اندازه‌گیری می‌شود. در این رابطه، **ACC** ارقام تعهدی (تفاوت بین سود عملیاتی و جریان نقدی عملیاتی) و **ASSETS** مجموع دارایی‌هاست.

رابطه ۸

$$\frac{ACC_t}{ASSETS_t}$$

**LVGI**: شاخص اهرم مالی که از طریق رابطه ۹ اندازه‌گیری می‌شود. در این رابطه، **LTD** جمع بدهی‌های بلند مدت، **CL** جمع بدهی‌های جاری و **ASSETS** مجموع دارایی‌ها است (کردستانی و ناتلی، ۱۳۹۵: ۸۰).

رابطه ۹

$$\frac{LDT_t + CL_t / ASSETS_t}{LDT_{t-1} + CL_{t-1} / ASSETS_{t-1}}$$

مطابق با پژوهش رزالی و همکاران (۲۰۱۴) برای تعیین وضعیت شرکت‌های جامعه آماری پژوهش از لحاظ گزارشگری مالی متقلبان، شرکت‌ها به دو گروه زیر دسته‌بندی شده‌اند:

(۱) شرکت‌هایی که مقدار Adj-M-score آن‌ها کمتر یا مساوی ۰/۵ باشد، گواه این خواهد بود که صورت‌های مالی شرکت دستکاری نشده است و فرض بر این است که گزارشگری مالی متقلبان ندارند و به آنها صفر اختصاص داده می‌شود.

۲) شرکت‌هایی که مقدار Adj-M-score آن‌ها بیشتر از ۰/۵ باشد، گواه این خواهد بود که صورت‌های مالی شرکت دستکاری شده است و فرض بر این است که گزارشگری مالی متقلبانه دارند و به آن‌ها ۱ اختصاص داده می‌شود.

#### ۴-۱-۲- متغیرهای مستقل

**قدرت مدیرعامل:** با استفاده از سه شاخص دوره تصدی مدیرعامل، دو مسئولیتی بودن و استقلال هیات مدیره سنجیده شده است. بدین صورت در مدل آورده شده است که اگر مجموع این شاخص‌ها از ۲ بزرگتر باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر لحاظ شده است (شاخص مدیریتی ۱ نشان از نفوذ و قدرت مدیریتی بیشتر در آن شرکت‌ها را دارد).

- دوگانگی وظیفه مدیرعامل = هنگامی که مدیر عامل، رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر به خود می‌گیرد.
- دوره تصدی مدیرعامل = سنوات مدیریت شخص مربوط در شرکت می‌باشد. در صورتی که دوره تصدی بالاتر از میانه شرکت‌های نمونه باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر لحاظ می‌گردد. بالاتر بودن دوره تصدی نشان از قدرت بیشتر مدیرعامل می‌باشد.
- استقلال هیات مدیره = تقسیم اعضای هیات مدیره غیرموظف به کل اعضای هیات مدیره می‌باشد. در صورتی که شاخص استقلال پایین‌تر از میانه در بین شرکت‌های نمونه باشد نشان از قدرت بیشتر مدیرعامل دارد و در نتیجه عدد یک لحاظ می‌شود و در غیر این صورت عدد صفر می‌گیرد.

**بیش اطمینانی مدیرعامل:** در این پژوهش از دو سنج که مبتنی بر سرمایه‌گذاری مدیران است برای اندازه‌گیری بیش اطمینانی استفاده می‌شود.

الف- افزایش مخارج سرمایه‌گذاری (EX - CAP): برای محاسبه مخارج سرمایه‌گذاری شرکت‌ها از مدل احمد و دوئلان<sup>۱۷</sup> (۲۰۱۳) استفاده شده است. اگر مخارج سرمایه‌ای در یک دوره (سال) معین تقسیم بر کل دارایی‌های اول دوره بزرگ‌تر از میانه آن باشد، نشان دهنده بیش اطمینانی مدیران در آن شرکت است و عدد ۱ می‌گیرد و کمتر بودن این مقدار از میانه، گویای عدم بیش اطمینانی مدیران در آن شرکت است و عدد صفر به آن اختصاص می‌یابد.

ب- سرمایه‌گذاری بیش از حد: سرمایه‌گذاری بیش از حد به پیروی از شراند و زچمن (۲۰۱۱) انتخاب شده است. بدین منظور ابتدا الگوی رگرسیونی رابطه به صورت مقطعی برآورد می‌شود و پس از آن در هر سال، باقیمانده محاسبه خواهد شد. چنانچه باقیمانده الگوی رگرسیونی رابطه برای شرکتی بزرگتر از صفر باشد، بدین معناست که در آن شرکت بیش از حد سرمایه‌گذاری شده و

لذا این شاخص برابر یک و در غیر این صورت، برابر صفر است. استفاده از این شاخص بر این مبنا است که در شرکت‌هایی که دارایی‌ها با نرخ بالاتری نسبت به فروش رشد می‌کنند، مدیران نسبت به همتهای خود بیشتر در شرکت سرمایه‌گذاری می‌کنند.

$$\text{Asset.Grj,t} = \beta_0 + \beta_1 \times \text{Sale.Grj,t} + \epsilon_j,$$

Asset.Grj,t رشد دارایی‌ها در سال t

$$1 - (\text{ASSETSt} / \text{ASSETSt-1})$$

$$\text{Sale.Grj,t} \text{ رشد فروش در سال } t$$

$$1 - (\text{SALESt} / \text{SALESt-1})$$

#### ۴-۱-۳- متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت: در این پژوهش لگاریتم دارایی‌های شرکت به عنوان پروکسی اندازه شرکت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اهرم مالی: نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها معرف اهرم مالی شرکت بوده که به عنوان ابزاری برای اندازه‌گیری اهرم مالی به کار می‌رود.

BM: ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام تقسیم بر جمع دارایی‌ها در پایان سال t

نرخ رشد: درصد رشد فروش شرکت‌ها در سال t نسبت به سال قبل

بازده دارایی‌ها: سود خالص شرکت‌ها تقسیم بر جمع دارایی‌ها در پایان سال.

زیان: اگر در سال t زیان‌ده باشد ۱ و در غیر این صورت صفر مفروض می‌گردد.

#### ۵- یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی حاصل از این پژوهش شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، ماکزیمم و مینیمم در جدول ۱ ارائه شده است.

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود در بین متغیرها بیش اطمینانی مدیرعامل با مقدار ۰/۷۵ دارای بالاترین میانگین و دوگانگی وظیفه مدیرعامل با مقدار ۰/۲۳ دارای کمترین میانگین است؛ هم چنین با توجه به میانگین ۰/۶۳ گزارشگری مالی متقلبانه می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر از نصف شرکت‌ها دارای گزارشگری مالی متقلبانه می‌باشند.

با توجه به اینکه سطح معنی‌داری بدست آمده از آزمون F لیمر در مدل بیشتر از ۵ درصد است، به منظور برآورد این مدل از مدل داده‌های تلفیقی استفاده شد.

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

| متغیرها                | میانگین | میانه | بیشینه | کمینه | انحراف معیار |
|------------------------|---------|-------|--------|-------|--------------|
| گزارشگری مالی متقلبانه | ۰/۶۳    | -۰/۰۳ | ۱۵/۳۵  | -۹/۷۱ | ۱/۱۷         |
| بیش اطمینانی مدیرعامل  | ۰/۷۵    | ۱     | ۱      | ۰     | ۰/۴۳         |
| قدرت مدیر عامل         | ۰/۶۷    | ۰/۶۷  | ۱      | ۰     | ۰/۲          |
|                        | ۰/۴۹    | ۰     | ۱      | ۰     | ۰/۵          |
|                        | ۰/۲۳    | ۰/۵   | ۱      | ۰     | ۰/۴۲         |

منبع: یافته های پژوهشگر

جدول ۲- نتیجه آزمون لیمر مدل پژوهش

| آماره  | مقدار | سطح معنی داری |
|--------|-------|---------------|
| F لیمر | ۰/۵۸  | ۰/۹           |

منبع: یافته های پژوهشگر

به منظور بررسی عدم وجود خود همبستگی در مدل از آماره دوربین - واتسون استفاده می شود. این آماره عدد ۱/۷۸ می باشد. چنانچه این آماره ها در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار بگیرد  $H_0$  آزمون یعنی عدم وجود همبستگی بین باقیمانده پذیرفته می شود و در غیر این صورت  $H_0$  رد می شود یعنی می توان پذیرفت که بین باقیمانده ها همبستگی وجود دارد. هم چنین قبل از برآورد نهایی مدل جهت دوری از اشتباهات محاسباتی و بررسی فروض کلاسیک و برقراری آن فروض برای رسیدن به نتایج درست نسبت به آزمون واریانس همسانی اقدام می کنیم

جدول ۳- آزمون واریانس همسانی مدل

| آزمون وایت    |       |
|---------------|-------|
| مقدار آماره   | ۱۰/۲۶ |
| سطح معنی داری | ۰/۴۵۱ |

منبع: یافته های پژوهشگر

با توجه به جدول ۳ مقدار سطح معنی داری (۰/۴۵۱) بیشتر از ۰/۰۵ می باشد بنابراین نتیجه حاکی از آن است که فرضیه صفر در سطح ۵ درصد تأیید شده است و همسانی واریانس داریم. همانگونه که نتایج مندرج در جدول ۴ نشان می دهد، ضریب تعیین این مدل تقریباً ۰/۶۶ است. این عدد نشان می دهد که ۶۶ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل مذکور قابل



تبیین است و از آنجائیکه آماره دوربین- واتسون این مدل (۱/۷۸) می‌باشد، می‌توان گفت که در این مدل خودهمبستگی مرتبه اول وجود ندارد (تأیید یکی از مفروضات رگرسیون). به علاوه نتایج مندرج در جدول ۴ نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری آزمون F کوچکتر از ۵ درصد است و از آنجائیکه آماره F اعتبار کلی مدل را نشان می‌دهد در نتیجه می‌توان گفت این مدل با احتمال ۹۵٪ معنی‌دار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است. نتایج مندرج در جدول ۴ نشان می‌دهد سطح معنی‌داری محاسبه شده برای متغیر (قدرت) بیشتر از ۵ درصد است و نشان می‌دهد که ضریب برآورد شده‌ی این متغیر معنی‌دار نمی‌باشد. در نتیجه می‌توان اظهار داشت بین قدرت مدیر عامل و گزارشگری مالی متقلبانه ارتباط معناداری وجود ندارد. هم‌چنین نتایج مشاهده شده در جدول نشان می‌دهد، سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر (بیش اطمینانی) کمتر از ۵ درصد است و نشان می‌دهد که ضریب برآورد شده‌ی این متغیر معنی‌دار می‌باشد. در نتیجه می‌توان اظهار داشت بین بیش اطمینانی مدیر عامل و گزارشگری مالی متقلبانه ارتباط معناداری وجود دارد. از بین ۶ متغیر کنترلی بیان شده، متغیرهای اهرم مالی و درصد رشد در فروش شرکت در سطح خطای ۵ درصد تأثیر مثبت و معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانه دارند و متغیرهای اندازه شرکت، ارزش دفتری بر کل دارایی‌ها، زیان شرکت و درآمد خالص بر کل دارایی‌ها ارتباط معناداری با گزارشگری مالی متقلبانه ندارند.

جدول ۴- نتایج برآورد مدل پژوهش

| متغیرها                    | ضرایب  | خطای استاندارد | آماره آزمون t         | سطح معنی داری |
|----------------------------|--------|----------------|-----------------------|---------------|
| عرض از مبدا                | -۰/۱۷  | ۰/۰۸           | -۲/۱۴                 | ۰/۰۳۲         |
| قدرت                       | ۰/۰۰۲  | ۰/۰۱۷          | ۰/۱۴                  | ۰/۳۶          |
| بیش اطمینانی               | -۰/۰۴  | ۰/۰۲           | -۱/۹۸                 | ۰/۰۴          |
| اندازه شرکت                | -۰/۰۰۷ | ۰/۰۱           | -۰/۶۰                 | ۰/۵۴          |
| اهرم مالی                  | -۰/۱۷  | ۰/۰۸           | -۲/۱۴                 | ۰/۰۳          |
| ارزش دفتری بر کل دارایی‌ها | -۰/۱۵  | ۰/۰۹           | -۱/۶۴                 | ۰/۴۹          |
| درصد رشد در فروش           | ۰/۱۰   | ۰/۰۲           | ۵/۱۹                  | ۰/۰۰          |
| زیان شرکت                  | -۰/۰۳  | ۰/۰۳           | -۱/۰۶                 | ۰/۲۸          |
| درآمد خالص بر کل دارایی‌ها | ۰/۰۶   | ۰/۰۸           | ۰/۷۴                  | ۰/۴۵          |
| ضریب تعیین                 | ۰/۶۶   |                | ضریب تعیین تعدیل شده  | ۰/۶۱          |
| آماره F                    | ۱۰/۳۱  |                | سطح معنی داری آماره F | ۰             |

منبع: یافته‌های پژوهشگر

## ۵- نتیجه گیری

شناسایی عوامل مؤثر بر تقلب در شرکت‌ها و تبیین علائم و نشانه‌هایی که به کمک آن‌ها بتوان به احتمال وجود تقلب در گزارش‌های مالی پی برد، در راستای کمک به استفاده کنندگان از اطلاعات ضروری است. در این پژوهش قدرت (نفوذ) و بیش اطمینانی مدیران در گزارشگری متقلبانه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که بین نفوذ مدیر عامل و گزارشگری مالی متقلبانه ارتباط معناداری وجود ندارد که با پژوهش سابمیتور و همکاران (۲۰۲۱) همخوانی ندارد. شاید بتوان این موضوع را به استقلال هیات مدیره و دوگانگی وظیفه مدیرعامل در این پژوهش نسبت داد. در واقع هر چه تعداد مدیران غیر موظف بیشتر باشد، عملکرد شرکت بهتر خواهد بود و می‌تواند باعث کاهش در رفتار فرصت طلبانه مدیران ایجاد نماید. سیجبات و همکاران (۲۰۲۱) اعتقاد دارند که احتمال گزارشگری متقلبانه با حضور اعضای غیر موظف در هیات مدیره کاهش می‌یابد. از طرفی می‌بینیم که میانگین دوگانگی وظیفه مدیرعامل ۰/۲۳ می‌باشد به نظر می‌رسد در اکثر شرکت‌ها دوگانگی وظیفه مدیرعامل وجود ندارد و وظایف مدیر عامل و رئیس هیات مدیره تفکیک شده است که باعث شده استقلال هیات مدیره بیشتر شود و در نتیجه باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی شود. شراند و زچمن (۲۰۱۱) استدلال کردند شخصی که هر دوی این وظایف (مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره) را بر عهده داشته باشد، تمایل کمتری به افشای اطلاعات مطلوب و به موقع برای استفاده کنندگان خواهد داشت. در نتیجه انتظار می‌رود در شرکت‌هایی که سمت مدیرعامل و رئیس هیات مدیره از هم تفکیک شده است، گزارشگری مالی به موقع‌تری داشته باشند.

در ادامه رابطه بین بیش اطمینانی مدیرعامل و گزارشگری مالی متقلبانه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که بیش اطمینانی مدیرعامل و گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معنی داری وجود دارد. بیش اطمینانی مدیران به دلیل انتظارات خوش‌بینانه‌ای که مدیران نسبت به رویدادهای آینده شرکت دارند، احتمالاً با گرایش به تقلب همراه خواهد شد. این نتیجه با نتایج پژوهش شراند و زچمن (۲۰۱۱) مطابقت دارد. آن‌ها دریافتند که بین بیش اطمینانی مدیریت با احتمال تقلب صورت‌های مالی، ارتباط مثبتی وجود دارد و نظارت بهتر داخلی و خارجی از طریق سازوکارهای حاکمیتی این اثر را کاهش نمی‌دهد. آن‌ها معتقدند که بیش اطمینانی مدیران از عملکرد خود همراه با خوش‌بینی هدفدار است. این خوش‌بینی مدیران به تحریف عامدانه منجر خواهد شد و در نتیجه، موجب می‌شود شرکت در سراسیمی مسیر تحریف‌های عمده گام بردارد. سوابو و همکاران (۲۰۱۸) معتقدند که سرمایه‌گذاری بیش از حد، در شرکت‌های متقلب توسط مدیران و با هدف گمراه کردن سرمایه‌گذاران صورت می‌گیرد. توجیه سرمایه‌گذاری بیش از حد از طریق اغراق در

چشم‌انداز آینده اقتصادی و اجتماعی شرکت صورت می‌گیرد. آن‌ها بیان کردند مدیران به همین منظور برای حفظ جایگاه خود در برابر ریسک کاهش ارزش سرمایه‌گذارها، به تقلب در گزارشگری مالی اقدام می‌کنند.

بر اساس نتایج پژوهش، به قانونگذاران و صاحبان سهام شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود به منظور کاهش احتمال انحراف در گزارشگری مالی شرکت‌ها، به ویژگی‌های مدیران و میزان پایبندی آن‌ها به اجرای استانداردها و اصول حسابداری توجه کنند. در این راستا بهبود ساختار سازمانی شرکت‌ها و ساز و کار حاکمیت شرکتی می‌تواند تأثیرگذار باشد.

### فهرست منابع

- ۱) استاندارد ۲۴۰ حسابرسی، مسدولیت حسابرس در ارتباط با تقلب و اشتباه در حسابرسی صورت‌های مالی (تجدید نظر شده ۱۳۸۴).
- ۲) آزاد، علی اصغر؛ پورزمانی، زهرا. (۱۳۹۹). ارائه الگوی سنجش کارایی شرکت‌ها با نقش معیارهای نظارتی ( رویکرد فرهنگی و لاسو). اقتصاد مالی، ۱۴(۵۳): ۶۵-۹۶.
- ۳) باباجانی، جعفر. (۱۳۸۹). ضرورت تدوین استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی بخش عمومی و چالش‌های فرآوری آن، نشریه حسابرس، ۱۲(۴۹): ۸۳-۶۸.
- ۴) باباجانی، جعفر؛ عبدی، مجید. (۱۳۸۹). رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌ها، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، ۲(۳): ۸۶-۶۵.
- ۵) جامعی، رضا؛ نوری زاده، مرضیه؛ نصیری، بهنام. (۱۳۹۵). بررسی رابطه عدم صداقت مدیران موظف و بروز تقلب در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، همایش ملی حسابرسی و نظارت مکالی ایران، مشهد.
- ۶) حجازی، رضوان؛ مختاری نژاد، حمیدرضا. (۱۳۹۶). رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با احتمال گزارشگری مالی متقلبان، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۲(۳): ۶۰-۳۳.
- ۷) حساس یگانه، یحیی؛ حسنی القار، مسعود؛ مرفوع، محمد. (۱۳۹۴). بیش اطمینانی مدیریت و حق الزحمه حسابرسی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۲(۳): ۳۸۴-۳۶۳.
- ۸) خلیفه سلطانی، احمد؛ نایب محسنی، شیدا؛ اسفندی، خدیجه. (۱۳۹۳). حاکمیت شرکتی و تقلب، ماهنامه بورس، شماره ۱۱۱، ۱۱-۹.
- ۹) رضازاده، جواد؛ محمدی، عبدالله. (۱۳۹۸). توانایی مدیریتی، ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقلبان، بررسی‌های حسابرسی و حسابداری، ۲۶(۲): ۲۳۸-۲۱۷.

- ۱۰) رضائی پسته نوئی، یاسر؛ صفری گرایلی، مهدی. (۱۳۹۷). خوانایی گزارشگری مالی و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۰(۴): ۴۳-۵۸.
- ۱۱) رهروی دستجردی، علیرضا؛ فروعی، داریوش؛ کیانی، غلامحسین. (۱۳۹۷). ارزیابی خطر تقلب مدیران با استفاده از روش داده کاوی، دانش حسابداری، ۹(۱): ۹۱-۱۱۴.
- ۱۲) صفرزاده، محمد حسین. (۱۳۸۹). توانایی نسبت‌های مالی در کشف تقلب در گزارشگری مالی، فصلنامه دانش حسابداری، شماره ۱: ۱۶۳-۱۳۷.
- ۱۳) عباس‌زاده، محمدرضا؛ فدایی، مرتضی؛ مفتونیان، محسن؛ بابایی کلاریجانی، مانده. (۱۳۹۵). بررسی ارتباط شفافیت مالی و اجتناب مالیاتی با توجه به مالکیت نهادی شرکت‌ها (مطالعه موردی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران). اقتصاد مالی. ۱۰(۳۵): ۴۵-۷۵.
- ۱۴) کردستانی، غلامرضا؛ تاتلی، رشید. (۱۳۹۵). پیش‌بینی دستکاری سود: توسعه یک مدل، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی: ۲۳(۱): ۷۳-۹۶.
- ۱۵) کمیته تدوین استانداردهای حسابداری. (۱۳۹۳). استانداردهای حسابداری، نشریه ۱۶۰، انتشارات سازمان حسابرسی.
- ۱۶) کیامهر، علی؛ جنانی، محمد حسن؛ همت فر، محمود. (۱۳۹۹). تبیین نقش ناهنجاریهای بازار سهام در قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای. اقتصاد مالی. ۱۴(۵۳): ۲۱۲-۱۹۳.
- ۱۷) لاری دشت بیاض، محمود؛ اورادی، جواد. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین دوره تصدی و دانش مالی مدیرعامل با حق الزحمه حسابرسی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱(۲۴): ۱۰۲-۸۱.
- ۱۸) لعل خضری، حمید؛ جعفری صمیمی، احمد. (۱۳۹۹). تأثیر نامتقارن تکانه‌های نرخ ارز بر توزیع درآمد در ایران: رویکرد NARDL. اقتصاد مالی. ۱۴(۵۳): ۶۴-۴۵.
- ۱۹) مرادی، جواد؛ رستمی، راحله؛ زارع، رضا. (۱۳۹۳). شناسایی عوامل خطر مؤثر بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری مالی از دید حسابرسان و بررسی تأثیر آنها بر عملکرد مالی شرکت، مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، ۱(۶): ۱۷۳-۱۴۱.
- ۲۰) مرادی، جواد؛ رستمی، راحله؛ زارع، رضا. (۱۳۹۳). شناسایی عوامل خطر مؤثر بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری مالی از دید حسابرسان و بررسی تأثیر آن بر عملکرد مالی شرکت، مجله پیشرفت‌های حسابداری، ۳(۱): ۱۷۳-۱۴۱.
- ۲۱) مشایخ، شهناز؛ بهزادپور، سمیرا. (۱۳۹۳). تأثیر بیش اطمینانی مدیران بر سیاست تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۱(۴): ۴۸۵-۵۰۴.

- ۲۲) نمازی، محمد؛ ابراهیمی، فهیمه. (۱۳۹۵). مدل بندی و تعیین اولویت عوامل موثر بر قصد گزارش تقلب‌های مالی توسط حسابداران، مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۳(۴۹): ۱-۲۸.
- 23) Ahmed, A. S. & Duellman, S. (2012). Managerial Overconfidence and Accounting Conservatism. *Journal of Accounting Research*, 51 (1): 1-30.
- 24) Beasley, M. S., Carcello, J. & Hermanson, D. (1999). COSO's New Fraud Study: What it Means for CPAs. *Journal of Accountancy*, 187(5), 12-13.
- 25) Berger, R., Dutta, S., Raffel, T., & Samuels, G. (2016). *Innovating at the Top: How Global CEOs Drive Innovation for Growth and Profit*: Palgrave Macmillan.
- 26) Brandt, M., Brav, A., Graham, J., Kumar, A. (2010). The idiosyncratic volatility puzzle: time trend or speculative episodes? *Review of Financial Studies*, 23 (2): 863-899.
- 27) Cohen, J., Ding, Y., Lesage, C. & Stolowy, H. (2010). Corporate Fraud and Managers' Behavior: Evidence From the Press. *Journal of Business Ethics*, 95, ( ۲) ۳۱۵-۲۷۱.
- 28) Duellman, S., Hurwitz, H. & Sun, Y. (2015). Managerial Overconfidence and Audit Fees. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 11(2), 148-165
- 29) Hsieh, T., Bedard, J. C. & Johnstone, K. M. (2014). CEO Overconfidence and Earnings Management during Shifting Regulatory Regimes. *Journal of Business Finance & Accounting*, 41 (9-10), 1243-1268.
- 30) Jensen, M. C., and W. H. Meckling. (1993). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure, *Journal of Finance* 3(4), 305-360.
- 31) Johnson, E., Kuhn, J.R., Apostolu, B. & Hassell, J.M. (2013). Auditor perceptions of client narcissism as a fraud attitude risk factor. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 32 (1), 203-219.
- 32) Lambert, R. (2010). Discussion of Implications for GAAP from an Analysis of Positive Research in Accounting. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 50, No. 2, Pp. 287- 295.
- 33) Malmendier, U. & Tate, G. (2008). Who Makes Acquisitions? CEO Overconfidence and the Market's Reaction. *Journal of Financial Economics*, 89 (1): 20-43.
- 34) Razali, W.A. A. W., and Arshad, R., (2014). Disclosure of corporate governance structure and the likelihood of fraudulent financial reporting, *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 145 (1) 243 – 253.
- 35) Scherand, C.M. & Zechman, S.L. (2011). Executive Overconfidence and the Slippery Slope to Financial Misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, 53 (1-2), 311-29.
- 36) Sijabat J, Tamba RA. (2021). Empirical Study Of The Effect Of The Audit Committee Characteristics On Fraudulent Financial Reporting. *International Journal Reglement & Society (IJRS)*. 2(3):125-35.
- 37) Submitter GA, Said A, Amiruddin A, Pontoh GT. (2021). Analysis of Factors Affecting Fraudulent Financial Reporting with Independent Commissioners as Moderation Variable. *Journals and Said, Andalia and Amiruddin, Amiruddin and*

- Pontoh, Grace T., Analysis of Factors Affecting Fraudulent Financial Reporting with Independent Commissioners as Moderation Variable (March 31, 2021). Reference to this paper should be made as follows: Andalia. 01-12.
- 38) Svabova L, Kramarova K, Chutka J, Strakova L. (2020). Detecting earnings manipulation and fraudulent financial reporting in Slovakia. *Oeconomia Copernicana*. 11(3):485-508.
- 39) Yermack, David. (2004). Remuneration, retention, and reputation incentives for outside directors. *Journal of Finance*, 59, 2281- 2308.

#### یادداشت‌ها

- <sup>1</sup> Lambert  
<sup>2</sup> Lucent  
<sup>3</sup> Brandt  
<sup>4</sup> Berger  
<sup>5</sup> Cohen  
<sup>6</sup> Beasley  
<sup>7</sup> Johnson  
<sup>8</sup> Scherand & Zechman  
<sup>9</sup> Hsieh  
<sup>10</sup> Duellman, Hurwitz & Sun  
<sup>11</sup> Jensen  
<sup>12</sup> Yermack  
<sup>13</sup> Razali  
<sup>14</sup> Submitter  
<sup>15</sup> Sijabat  
<sup>16</sup> Svabova  
<sup>17</sup> Ahmed & Duellman